

## حمایت از بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

سیروس پرویزی\* رحیم داورنیا\*\*  
(تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۳)

### چکیده

در حقوق داخلی به آسیب‌هایی که جرم قتل عمدی به خانواده بزهدیده وارد می‌آورد توجهی خاص نشده و بزهدیدگان یا جامعه تعهدی نسبت به بازماندگان مقتول ندارند. این در حالی است که از دست دادن عضوی از خانواده، اعضای دیگر را با بحران‌های گوناگون مواجه کرده و زمینه بروز انحرافات و مشکلات متعدد را در خانواده و جامعه فراهم می‌نماید، به ویژه اگر عضو از دست‌رفته سرپرست خانواده باشد. نتیجه آنکه جرم قتل عمدی افزون بر بزهدیده مستقیم (مقتول)، بزهدیده غیرمستقیم (مانند اولیاء دم و افراد تحت تکفل مقتول) نیز دارد، که در گام نخست باید توسط اجتماع به رسمیت شناخته شوند و در گام بعدی حمایت‌های لازم از سوی قانونگذار پیش‌بینی شوند. در این راستا، با بررسی حقوق داخلی مشخص می‌شود که تعریف بزهدیده شامل بستگان و افراد تحت تکفل مقتول است و بر اساس مبانی مختلف قانونی، شرعی و منطقی باید از آنها هم حمایت نمود. در اسناد بین‌المللی مختلف نیز به روشنی از عنوان بزهدیده بر بازماندگان مقتول استفاده شده و کشورهای عضو ملزم به حمایت از این گروه از بزهدیدگان شده‌اند.

واژگان کلیدی: بزهدیده مستقیم، بزهدیده غیرمستقیم، بزهدیده ثانویه، بزهدیده پنهان، قتل عمدی، جبران خسارات.

---

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

\*\* استادیار حقوق گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول):

## مقدمه

با وقوع جرم نه تنها بزه‌دیده دچار مشکلاتی می‌شود بلکه در بسیاری موارد اطرافیان وی نیز تحت تأثیر جرم ارتكابی قرار می‌گیرند. به ویژه اگر جرم ارتكابی علیه تمامیت جسمانی بزه‌دیده ارتكاب یابد، در آن صورت دارای اثراتی زیاد بر اعضای خانواده وی از قبیل ترس و استرس و ضررهای مالی است، که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت، به ویژه اگر منجر به قتل شود که در این صورت صدمات غیرقابل جبرانی بر نزدیکان مقتول از جمله غم و اندوه فراوان، بی‌سرپرست شدن و قطع درآمد روزانه و جز اینها وارد می‌شود و برای مدت طولانی آثار آن باقی می‌ماند. در نتیجه، باید راهکارهایی جهت کمک و مساعدت به چنین خانواده‌هایی پیش‌بینی شوند. شناخته شدن به عنوان بزه‌دیده جرم ابتدائی‌ترین حقی است که بزه‌دیده از جامعه طلب می‌کند و اگر این حق را برای بزه‌دیدگان غیرمستقیم ایجاد نماییم، ضمن تشویق آنها به دادخواهی حقوق از دست‌رفته خود نزد مراجع کیفری، می‌توانیم به اصلاح مفاسد و پیشگیری از وقوع جرایم جدید پردازیم.

وقتی حقوق مورد تجاوز کسی به رسمیت شناخته نشود و فرد خود را بزه‌دیده نداند یا هرگز تصور احقاق حقوق خویش را نکند و یا خود را در معرض تهدید و سرزنش دیگران ببیند و امیدی به بهبود وضعیت خود نداشته باشد، به عبارت بهتر امیدی به مورد توجه قرار گرفتن نداشته باشد، دیگر به مراجع ذیربط اعلام شکایت بزه‌دیدگی خود را نمی‌کند، بزه‌دیدگی وی دیده نمی‌شود و به نوعی بزه‌دیده پنهان محسوب می‌شود، که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی است. با مطالعه قوانین و مقررات داخلی ملاحظه می‌شود که با وجود آن آثار متعدد، از سایر افراد خانواده که به طور غیرمستقیم بزه‌دیده رفتارهای نابهنجار بزهکار می‌گردند حمایتی صورت نگرفته است (حاجی ده‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳). در مباحث حقوق کیفری عمده مسائل حول سه محور بزه، بزهکار و بزه‌دیده هستند و به افرادی که بزه‌دیده در زندگی آنها نقشی عمده داشته توجهی شایسته نشده و می‌توان گفت که نظام حقوقی ما در قبال بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی با پدیده «بزه‌دیده پنهان» روبرو است.

با تولد رشته جدید بزهدیده‌شناسی، که شاخه‌ای از جرم‌شناسی است، از یک طرف تحولات اساسی به منظور مراعات حقوق بزهدیدگان در نظام حقوقی کشورهای مختلف به وجود آمد و برای همین شاخه بزهدیده‌شناسی ثانویه به وجود آمده است.<sup>۱</sup> از طرف دیگر در این راستا، حمایت از بزهدیدگان غیرمستقیم توجه جامعه بین‌المللی را به خود معطوف ساخته است، که در این مقاله به مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط به حمایت از بزهدیدگان غیرمستقیم پرداخته خواهد شد. وانگهی، در سوابق تحقیقاتی نیز پژوهشی که به طور خاص بدین موضوع پرداخته باشد یافت نشد و تحقیقات مرتبط نیز به صورت فرعی و گذرا به موضوع بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی و اثرات جرم بر اطرافیان بزهدیده اشاره کرده‌اند.

این مقاله در صدد است با نگاهی به قوانین داخلی در خصوص بزهدیده، تعریفی از بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی ارائه کند و با تحلیل ظرفیت‌ها و محدودیت‌های حقوق داخلی در خصوص بزهدیده، بدین سؤال پاسخ دهد که آیا می‌توان گفت بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی زیرمجموعه‌ای از بزهدیده، که در مقررات قانونی مورد حمایت قرار گرفته، محسوب می‌شود؟ در این راستا، مبانی و لزوم حمایت از بزهدیدگان غیرمستقیم بررسی شده و سپس وضعیت بزهدیده غیرمستقیم در اسناد بین‌المللی واکاوی شده و در نهایت موضع حقوق داخلی مطالعه شده است. بنابراین، در این نوشتار به ترتیب بزهدیده قتل و انواع آن (مستقیم و غیرمستقیم)، مبانی حمایت از بزهدیده غیرمستقیم و حمایت از بزهدیده غیرمستقیم در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی بررسی شده است.

۱. این نوع از بزهدیده‌شناسی در اثر تحول و توسعه بزهدیده‌شناسی اولیه به وجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزهدیده با ارائه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وارده به وی است و انواع مختلف از حمایت‌ها را در شرایط گوناگون نسبت به بزهدیدگان پیشنهاد می‌کند.

## ۱. بزه‌دیده

شناخت بزه‌دیده به عنوان نخستین گام در جهت احقاق حقوق بزه‌دیده و احیاء و تثبیت جایگاه او در فرایند عدالت کیفری تحلیل می‌شود. از نظر لغوی بزه‌دیده به کسی که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان دیده گفته می‌شود (معین، ۱۳۴۵: ۱۳۷۶). از نظر اصطلاحی در مورد بزه‌دیده تعاریفی مختلف ارائه شده است.<sup>۱</sup> یکی از نویسندگان حقوقی بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۵). در جایی دیگر بزه‌دیده چنین تعریف شده است: «کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۹).

با نگاهی به تعاریف بزه‌دیده، می‌توان دو رویکرد را در قبال افراد مشمول تعریف بزه‌دیده استخراج کرد: در رویکرد نخست، به عنوان تعریف موسّع بیشتر به ورود ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشأ ایراد ضرر و عوامل جرم؛ مطابق این دیدگاه بزه‌دیده کسی است که یک خسارت و آسیب قطعی بر تمامیت شخص او وارد شده به گونه‌ای که اکثر افراد جامعه به آن اذعان دارند که بر اساس این رویکرد افزون بر شخصی که عنصر مادی جرم علیه او ارتکاب یافته سایر اشخاصی که دچار زیان می‌شوند نیز مشمول تعریف بزه‌دیده هستند. در تعریف مضیق به وارونه تعریف موسّع خاستگاه آسیب ناشی از جرم و منشأ ایراد خسارت در کانون توجه است، که در این تعریف تنها شخصی که موضوع جرم قرار گرفته مشمول عنوان بزه‌دیده است، مانند تعریف هانس فون هانتینگ پدر علم بزه‌دیده‌شناسی که بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: بزه‌دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است (الستی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲). هانتینگ در این تعریف بزه‌دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح

۱. قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی نخستین قانونی است که در آن واژه بزه‌دیده بکار رفته است.

ساخته که ناظر بر مجنی‌علیه است. اما به نظر می‌رسد هر دو تعریف مضیق و موسع با هم پیوند دارند.

در این مقاله تعریف بزهدیده ناظر به افرادی است که به نحوی از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده باشند، زیرا در هر دو تعریف افزون بر ذکر خاستگاه ضرر و زیان فعل و ترک فعل، به متضرر شدن افراد نیز اشاره شده است (قاضی، ۱۳۹۵: ۶).  
در اینجا انواع بزهدیدگان و دیدگاه حقوق داخلی و خارجی درباره افرادی که به عنوان بزهدیده قابل حمایت هستند بررسی می‌شوند تا با توجه به واقعیت‌های جامعه و آسیب‌هایی که در پی وقوع جرم به وجود می‌آیند و با نگاهی به حقوق بین‌الملل، بتوان معنایی صحیح‌تر از مفهوم بزهدیده را بدست آورد.

#### ۱-۱. بزهدیده (مستقیم و غیرمستقیم)

از اصطلاح بزهدیده چنین به ذهن متبادر می‌شود که فقط شخصی که مستقیماً از موضوع جرم ارتكابی تأثیر پذیرفته بزهدیده است. اما به نظر می‌رسد افراد دیگری را که به سبب جرم ارتكابی خسارت دیده‌اند، گرچه مستقیماً مورد بزه واقع نشده‌اند یعنی بزه بر آنها واقع نگردیده، نیز باید جزء بزهدیدگان بررسی کرد؛ برای مثال، در یک نزاع دسته جمعی منجر به شکستگی دست و پا افزون بر مجنی‌علیه، خانواده وی نیز تا زمان بهبودی کامل دچار مشقت می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت بزهدیدگان غیرمستقیم کسانی هستند که جرم را به طور مستقیم تجربه نکرده‌اند، اما از رهگذر آن به یک آسیب دچار می‌شوند. در مقابل، بزهدیده مستقیم فردی است که عنصر مادی جرم به صورت مستقیم علیه او ارتكاب یافته و موضوع فعل مجرمانه قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر او آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار گرفته و بزهدیده بی‌واسطه بزهدیده شناخته می‌شود؛ برای مثال، در توهین فردی که طرف مستقیم اظهارات توهین‌آمیز است بزهدیده مستقیم محسوب می‌شود، یعنی عنصر مادی جرم علیه او ارتكاب یافته است. درباره بزهدیده مستقیم، نمونه بارزی که باید به آن اشاره کرد واژه مجنی‌علیه است. افزون بر اینها، تعابیر دیگری مانند مقتول در جرم

قتل، مقذوف، مالباخته در جرم سرقت و نیز مجروح و مصدوم را نیز می‌توان به مفهوم بزه‌دیده مستقیم پیوند داد.

بزه‌دیده غیرمستقیم از بزه‌دیده ثانویه<sup>۱</sup> (یا بزه‌دیدگی دومین) نیز متفاوت است. این نوع بزه‌دیدگی شامل ناملایماتی می‌شود که شاکی یا بزه‌دیده ممکن است در مراحل پلیسی و مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراحل متحمل شود، یعنی در واقع فشارها، بداخلاقی‌ها، بی‌حرمتی‌ها، تندخویی‌ها و ناملایماتی که بزه‌دیده ممکن است در جریان فرایندهای کیفری متحمل شود و بر آن بزه‌دیدگی اولیه که برای آن در مراجع مربوط حضور پیدا کرده افزوده شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۳). در نتیجه می‌توان گفت در برخی موارد ممکن است بزه‌دیده غیرمستقیم مشمول عنوان بزه‌دیده ثانویه نیز شود.

## ۱-۲. بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی

بزه‌دیدگی غیرمستقیم قتل عمدی زمانی واقع می‌شود که خانواده و بستگان بزه‌دیده و حتی به طور کلی جامعه از جرم متأثر شوند. درباره این دسته از بزه‌دیدگان، می‌توان عناوینی مانند اولیای دم و ورثه مقتول را نام برد (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱۲). در واقعیت اجتماعی نیز بیشترین آسیب‌ها متوجه بازماندگان مجنی‌علیه هستند و باعث به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی متعدّد می‌شوند، به ویژه در رابطه با فردی که در سنین اولیه با از دست دادن سرپرست خود مجبور است بدون حامی با انواع مشکلات اجتماعی مواجه شود؛ برای مثال، کودکی که پدر او توسط فردی به قتل رسیده و دچار ضررهای عاطفی شده است، اگر نگوئیم خسارت بیشتری از پدرش متحمل شده خسارت کمتری نیز متحمل نشده است. از این رو، به نظر می‌رسد او را نیز باید بزه‌دیده دانست، چراکه از این جرم کودک نیز متضرر شده، هرچند مستقیماً بر او واقع نگردیده است.

---

1. Secondary victimization.

## ۳-۱. بزه‌دیده غیرمستقیم در قوانین و مقررات

باید دید قانونگذار در چه مواردی از عبارت بزه‌دیده استفاده کرده و قلمرو مفهومی بزه‌دیده شامل چه اشخاصی است و آیا می‌توان بزه‌دیده غیرمستقیم را جزء بزه‌دیدگانی که در قوانین به صورت مطلق بیان شده به حساب آورد؟

در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف بزه‌دیده بیان شده که «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود». در ماده ۲ دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک به بزه‌دیدگان منظور از بزه‌دیده هر شخص حقیقی است که در اثر وقوع جرم متحمل صدمات شدید جسمی، روحی و مادی شود، به نحوی که در صورت عدم جبران به موقع، بیم خطر جانی برای وی وجود داشته باشد یا امکان ادامه کار و یا امرار معاش را از وی حداقل برای مدتی سلب کند.<sup>۱</sup> در پیش‌نویس دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک به بزه‌دیدگان نیز در چند بند اقدام به تعیین مصادیق بزه شده بود و در بند (ج) ماده مذکور منظور از بزه‌دیده بازمانده قانونی (ولی یا اولیای دم مقتول) شخصی است که ارتکاب جرم منجر به فوت یا از کارافتادگی کامل شده و سرپرست خانواده بوده و امکان جبران خسارات بازماندگان تا زمان بررسی درخواست ممکن نشده و از جبران خسارت قطع امید کامل شده باشد؛ این مورد به عنوان یکی از مصادیق بزه‌دیده تعیین شده بود که متأسفانه در متن اصلی پیش‌نویس مذکور این بند حذف شد. ماده ۱ لایحه حمایت از بزه‌دیدگان بدون ارائه تعریف از بزه‌دیدگان، تشکیل صندوقی را برای حمایت از بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده است. تبصره ۱ ماده ۲ لایحه مذکور بدون اشاره به افرادی که ممکن است مشمول خسارت معنوی شوند آن را تعریف

۱. دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک به بزه‌دیدگان، که در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ به تصویب وزیر دادگستری رسیده است، در جهت تعیین نحوه شناسایی و اتخاذ تصمیم در مورد مشمولین برخوردار از ردیف اعتباری شماره ۵/۱۰۸۰۰۰ قانون بودجه سالیانه تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیده» است، که اعتبار پیش‌بینی شده در آن با رعایت مفاد و ضوابط دستورالعمل به صورت کمک با نظر کارگروه تشخیص پرداخت می‌شود.

کرده و شامل صدمات روحی و هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی با جبران از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه‌های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناس دانسته شده است.

کلمات بکاررفته به ویژه در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ امکان بسط تعریف بزه‌دیده را فراهم می‌آورند. دامنه شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌گردد، افزون بر بزه‌دیده مستقیم که موضوع جرم است، شامل سایر افراد ذینفع نیز است. اگر قانونگذار تنها نظر به جبران خسارت بزه‌دیده مستقیم داشت می‌توانست با عبارت دیگری بزه‌دیده را تعریف کند که تنها شامل کسی شود که عنصر مادی جرم علیه او ارتکاب یافته است.

## ۲. مبانی حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی

پیش از پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی و کیفیت حمایت آن، طرح این سؤال ضروری است که اساساً مبانی حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی چه هستند و بر اساس چه اصولی یا نظام حقوقی باید افزون بر بزه‌دیده مستقیم از بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز حمایت کند؟ مبانی منطقی، قانونی و شرعی در جهت حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی مهمی هستند، که با توجه به نظام حقوقی ما که منبعث از شرع بوده و بر اساس اصل چهارم قانون اساسی ایران کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشند و معمولاً مبانی منطقی و قانونی نیز به عنوان ضرورت تصویب قانون در قانونگذاری مورد توجه قرار گرفته و دارای اثر هستند، در ذیل آنها توضیح داده می‌شوند. مبانی دیگری نیز در این بحث قابل ذکر هستند، از جمله مبانی حاکمیتی دولت نسبت به ملت و وظیفه‌ای که در جهت تأمین رفاه و آسایش عمومی مردم دارد، مبانی ارزشی، اجتماعی و فرهنگی. در این بند سه مورد پیش گفته به عنوان مهم‌ترین مبانی که از یک طرف دارای آثار ملموس و متعدد از جهت بهبود وضعیت بزه‌دیدگان غیرمستقیم و پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر بوده (مبانی منطقی) و از طرف دیگر نقشی تعیین کننده



در تعیین سیاست‌های جنایی (مبانی قانونی و شرعی) در نظام حقوقی ایران دارند، توضیح داده می‌شوند.

## ۱-۲. مبانی منطقی

مهم‌ترین مبانی حمایت از بزهدیدگان غیرمستقیم قتل عمدی نقش مؤثر آن در تقلیل بزهدکاری است، زیرا حمایت از بزهدیدگان جرم از سویی آنان را از موقعیت آسیب‌پذیری و بزهدیدگی مکرر خارج می‌سازد و از سوی دیگر خطر انتقام فردی و ارتکاب جرم را تقلیل می‌دهد. اصولاً همان گونه که برخی از جرم‌شناسان معاصر از جمله «گراهام فارل»، «کورینا فیلیپس» و «کن پیز»<sup>۱</sup> در تبیین بزهدیدگی مکرر خاطر نشان کرده‌اند، میزان خطر وقوع جرم دوم علیه بزهدیده به نوع واکنش وی در قبال جرم نخست بستگی دارد. حمایت از بزهدیده او را از بزهدیدگی مکرر که معلول ضعف، انزوا، بیچارگی و بزهدیدگی نخست است مصون می‌نماید و از سوی دیگر مانع انتقام‌های فردی و گسترش بزهدکاری می‌شود (توجهی، ۱۳۷۸: ۱۴). تنها بزهدکاری نیست که هزینه‌های اجتماعی-اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند، بلکه بزهدیدگی به ویژه بزهدیدگی مکرر نیز بخشی عظیم از هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد (غلامی، ۱۳۸۷: ۱۳). علمای حقوق اعتقاد دارند که بهترین سیاست جنایی بهترین سیاست اجتماعی است. در نتیجه هر چقدر سیاست اجتماعی در حمایت از اқشار آسیب‌پذیر و در معرض بزهدکاری همه‌جانبه باشد تأثیری مستقیم بر کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله وقوع جرم خواهد داشت. کودکی که در آغاز دوران زندگی خود سرپرست خود را به جهت ارتکاب قتل از دست می‌دهد، اگر مورد حمایت نظام حقوقی و اجتماعی قرار نگیرد روند رشد اجتماعی وی مطلوب نخواهد بود و افزون بر خسارت‌هایی که در زندگی خود با آن مواجه خواهد شد، در محیط اجتماعی نیز باعث آسیب‌های خواهد شد. بنابراین، حمایت از بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی نقشی مؤثر در

1. Farrel Graham, Philips coretta & Peas Ken.

پیشگیری از بزهکاری دارد، زیرا هم از بزه‌دیدگی مکرر جلوگیری می‌نماید و هم مانع تبدیل بزه‌دیده به یک انسان بزهکار می‌شود.

## ۲-۲. مبانی قانونی

در همهٔ جوامع بشری و نظام‌های حقوقی کشورهای دنیا بر اساس قواعد عقلی و نیز اقتضائات عدالت اجتماعی، قانونگذاران برای پیشگیری از نزاع میان مردم اقدام به وضع قواعد و هنجارهایی می‌کنند که از ورود ضرر به سایرین جلوگیری شود. دفاع و پاسداری از ارزش‌های یک جامعه از رسالت‌های حقوق کیفری بلکه از اهداف سیاست جنایی جامعه محسوب است و بدین جهت سیاست جنایی نمی‌تواند بی‌تفاوت از کنار این مسئله مهم بگذرد. حمایت از بزه‌دیدگان و کمک به آنان باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه باشد. از این رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان از آنها تأمین شوند بااهمیت است. اگر بخواهیم اقدامات و سیاست‌ها افزون بر ملاحظات بشردوستانه در مورد بزه‌دیدگان و وضعیت آنان بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشند، لازم است پایه‌های حقوقی و اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزهکار را نسبت به بزه‌دیده تعیین نماییم (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۰).

اصل چهل قانون اساسی بیانگر آن است که یکی از محدودیت‌های آزادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران حقوق افراد و منافع جامعه است. در خصوص ضمانت اجرای اصل چهل قانون اساسی و ممنوعیت اضرار به غیر می‌توان گفت افزون بر جبران خسارت یا مسئولیت مدنی و کیفری ممکن است فرد ضرررساننده از حق مشروع خود منع شود و این امر موجب اسقاط حق وی شود. در مسئولیت مدنی این حکم به عنوان قاعده پذیرفته شده است که هر کس به دیگری خسارتی وارد آورد باید آن را جبران نماید. دادرس نیازی ندارد که برای هر مسئولیت مبنای قانونی خاصی بیابد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۵). از این رو، در تعیین و تفکیک انواع خسارات قابل جبران از خسارات غیرقابل جبران، داوری و حکم عرف کفایت می‌کند. در برخی نظام‌های

حقوقی یک قاعده عمومی بنا گذارده شده به نام اصل «قابلیت جبران کلیه خسارات»<sup>۱</sup> که به موجب آن هر کس زیان ناروایی، خواه مالی یا معنوی یا جانی یا بدنی، به کسی وارد آورد مکلف به جبران خسارت است (بابایی، ۱۳۸۴: ۴۶). از این رو، نباید عدم تصریح قانونگذار به جبران پذیری نوعی از خسارت را دلیل بر عدم امکان جبران این گونه خسارت قلمداد کرد و اصولاً باید قانونگذار را به رعایت حقوق تمام اطراف جرم از جمله بزهدیده غیرمستقیم ملزم دانست. در نتیجه بر اساس مبانی قانونی هر کس که باعث ورود ضرر به کسی شده باید جبران کند، خواه فرد متضرر به طور مستقیم متحمل خسارت شود یا به تبع وقوع جرم علیه فرد دیگری.

### ۳-۲. مبانی شرعی

حمایت از بزهدیدگان و تأمین خسارات آنان، در حکومت نبوی و احادیث شریفی که از ناحیه معصومان علیهم‌السلام وارد شده، از جایگاهی خاص برخوردار است، به گونه‌ای که در کتب روایی باب ویژه‌ای تحت عنوان باب نصر الضعفاء و المظلومین بدان اختصاص داده شده است. حمایت‌هایی که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در صدر اسلام به عمل می‌آمد اختصاص به یک جنبه نداشت، بلکه ابعادی وسیع از حقوق و نیازهای آنان را فرا می‌گرفت، از حمایت‌های قضایی و تقنینی گرفته تا حمایت‌های مالی و روانی، مانند تخصیص مقداری از بیت‌المال برای کهنسالان. امیرمؤمنان علیه‌السلام پیرمرد از کارافتاده‌ای را دید که از مردم کمک می‌خواست، حضرت پرسید: او کیست؟ گفتند: فردی نصرانی است. حضرت فرمود: از او کار کشیدید تا پیر و عاجز شد و اکنون او را محروم می‌کنید؟ از بیت‌المال به او کمک کنید (اسکندری، ۱۳۸۷: ۵). حال، مهم‌ترین قواعد فقهی توجیه‌کننده لزوم حمایت از بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی بررسی می‌شوند.

۱. این قاعده قدمتی بیش از یک سده ندارد و اکنون در بسیاری از نظام‌ها با این کلیت پذیرفته نشده است.

### ۱-۳-۲. قاعدهٔ تسبیب

یکی از دلایل جواز مطالبهٔ خسارت بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم قاعدهٔ تسبیب است. به موجب این قاعده، عامل زیان باید خسارتی را که خود سبب آن بوده جبران کند؛ قاتل که موجب محروم شدن خانوادهٔ مقتول از وجود نامبرده شده باید مسئولیت جبران ضررهای بازماندگان را بر عهده بگیرد.

### ۲-۳-۲. نفی حرج

نفی حرج به معنای نفی ضیق و تنگی است و مقصود از آن نفی هرگونه حرج خارجی است، بدین معنا که هیچ کس نباید عملی را بر دیگری تحمیل کند که او را در تنگنا قرار دهد (مرعشی، ۱۳۷۳: ۱۹۴). اگر خسارت وارده بیش از میزان دیه باشد، مجنی علیه در صورتی از ضیق و تنگنا خارج می‌شود که تمام خسارات او جبران شده باشد، یعنی جانی افزون بر دیه باید خسارت مازاد بر آن را نیز جبران کند. در موضوع خسارات وارده به بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم نیز چون به جهت عمل جانی در تنگنا قرار گرفته باید مساعدت شود.

### ۳-۳-۲. بنای عقلاء

هرگاه امری مورد پذیرش تمام عقلاء از حیث عقلایی بودن قرار گیرد، شارع نیز آن را می‌پذیرد. تردیدی نیست که عقلاء هنگامی که شخصی به فردی زیان می‌رساند، او را ملزم به پرداخت تمام خسارت وارده می‌دانند. در این دیدگاه عقلاء عدم پرداخت خسارات ناشی از جرم را ظلم می‌دانند و ظلم و حکم به عدم پرداخت خسارات قبیح است (مرعشی، ۱۳۷۳: ۳۱۴).

### ۴-۳-۲. لایبطل (لایطل) دم امرئ مسلم

عبارت «لایبطل (لایطل) دم امرئ مسلم» حاکی از هدر نرفتن خون مسلمان است، خواه این خون مربوط به نفس باشد یا عضو. می‌توان گفت در جهت اینکه خون مقتول به هدر نرود (با

وجود اینکه امکان جبران خسارت کامل وجود ندارد)، یکی از لوازم ضروری آن جبران خسارات وارده به بازماندگان نزدیک مقتول است.

### ۵-۳-۲. مصلحت پایه جعل و تشریح احکام شرعی

مقصود این است که جعل احکام به وسیله شارع مقدس بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده است. احکام برای انسان جعل می‌شوند و در جلب مصلحت و دفع مفسده انسان لحاظ می‌شود. بنابراین، جعل احکام شرعی بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده انسان‌هاست. وقتی تعیین خسارات بازماندگان مقتول عمدی آنها را در ادامه مسیر زندگی کمک می‌کند، مصلحت مساعدت به آنها را بایسته می‌کند.

### ۶-۳-۲. لاضرر

فقهاء با پذیرش این تفسیر که مراد از عبارت «لاضرر» نهی شارع از اضرار افراد به یکدیگر است و با اشاره به اینکه از نظر ادبی عبارت «لا ضرر و لا ضرار» یک جمله نکره منفی است و این قبیل ترکیبات در ادبیات عرب افاده عموم می‌کنند، گفته‌اند این حدیث شامل تمام اقسام ضرر و زیان بوده و با عرفی دانستن مفهوم ضرر، حکم به لزوم جبران کلیه ضررها را از این عبارت استنتاج کرده‌اند (مرعشی، ۱۳۷۳: ۳۰). بنابراین، وقتی خانواده‌ای عضو خود را بر اثر قتل عمدی از دست دهد نخست طبق قواعد فقهی متحمل ضرر شده است، برای مثال وقتی از نعمت سرپرست محروم می‌گردد دچار آسیب‌های مختلف مالی، اجتماعی و جز اینها می‌شود و دوم این ضررها تا حد امکان از طرق جبران خسارت مادی یا غیرمادی باید جبران شوند.

### ۳. حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی در اسناد بین‌المللی

اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان رنگ و بوی جهانی گرفته است. در اسناد متعدد بین‌المللی افزون بر توجه به شخص بزه‌دیده به روشنی به بستگان او نیز توجه شده است. نخستین بار با تدوین کنوانسیون اروپایی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌آمیز، که در ۲۴ نوامبر

۱۹۸۳ در استراسبورگ فرانسه به تصویب رسید، اندیشهٔ حمایت از بزه‌دیدگان که از پیش متداول بود و شعار معروف «اروپا معتقد است که بزه‌دیدگان نیز انسان هستند» که حکایت از توجه به حقوق بزه‌دیده داشت، وارد مرحله‌ای تازه شد. در بخش نخست این سند حمایت به بزه‌دیدگان غیرمستقیم جرم یعنی افرادی که به نوعی با بزه‌دیدگان مستقیم ارتباط دارند (افراد تحت تکفل و خانوادهٔ بزه‌دیده) تسری داده شد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۴). در مادهٔ ۲ کنوانسیون پیش‌بینی شده است که وقتی ترمیم کامل خسارت به وسیلهٔ سایر منابع قابل تضمین نیست، دولت باید به خسارت‌زدایی از افراد زیر اقدام کند: الف. کسانی که متحمل لطمات شدید علیه جسم یا سلامت خود شده‌اند که مستقیماً از یک جرم عمدی خشونت‌آمیز ناشی شده است. ب. کسانی که تحت تکفل شخصی بوده‌اند که پس از ارتکاب جرم فوت شده است.

از جمله توجیهاتی که برای جبران خسارت بزه‌دیده به هزینهٔ دولت شده همبستگی اجتماعی است. این کنوانسیون بر همین مبنا در مقدمه تأکید می‌کند: «با توجه به دلیل انصاف و همبستگی اجتماعی، پرداختن به وضعیت بزه‌دیدگان جرایم عمدی خشونت‌بار و بستگان کسانی که در پی چنین جرایمی مرده‌اند ضروری است». ملاحظه می‌شود که در کنوانسیون اروپایی افزون بر بزه‌دیدهٔ مستقیم، بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم - با عنوان بستگان مقتول - نیز شناسایی شده و بر حمایت از او تأکید شده است.

سند بین‌المللی دیگری که در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی می‌توان بدان اشاره کرد اعلامیهٔ اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که طی قطعنامهٔ شمارهٔ ۳۴/۴۰ ارائه گردیده و دارای ۲۱ ماده در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان است. بند ۱ قسمت (الف) اعلامیهٔ بزه‌دیدگان را اشخاصی دانسته است که در پی فعل یا ترک فعل نقض‌کنندهٔ قوانین کیفری

1. European convention on the compensation of victims of violent crimes, 24 November 1983.
2. Declaration of Basic principles of justice for victims of Crime and Abuse of Power, 1985.

دولت‌های عضو به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی دچار شده‌اند. بر اساس بند ۲ اعلامیه فردی ممکن است بزهدیده تلقی گردد، خواه مرتکب شناسایی، دستگیر، تحت پیگرد یا محکوم شده باشد یا خیر و خواه رابطه خویشاوندی میان مرتکب و بزهدیده وجود داشته باشد یا خیر. واژه بزهدیده هر جا مقتضی باشد شامل خانواده نزدیک یا افراد تحت تکفل مستقیم بزهدیده و اشخاص متحمل آزار هنگام مداخله جهت کمک به بزهدیدگان در وضعیت پریشانی یا پیشگیری از بزهدیدگی نیز می‌شود. تعریف ارائه شده از سوی اعلامیه نه تنها خود بزهدیده بلکه خانواده و خویشاوندان او و حتی اشخاصی را که در جریان پیشگیری از بزهدیدگی و یا کمک به بزهدیدگان دچار آسیب شده‌اند تحت پوشش قرار می‌دهد. پاراگراف ۱۳ اعلامیه گسترش و تقویت صندوق‌های ملی غرامت بزهدیدگان را به دولت‌ها توصیه کرده است. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه ۵۷/۱۹۸۹ راه‌های عملی و اجرایی اعلامیه را بررسی و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر کرده و از کلیه کشورهای خواسته است که با تخصیص بودجه لازم امکان عملی شدن مواد اعلامیه و اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان را فراهم سازند (توجهی، ۱۳۸۰: ۲۱).

تصویب این اعلامیه تأثیر بسزایی در ارج نهادن به حقوق بزهدیدگان در نظام‌های دادرسی کیفری کشورهای مختلف داشته است، چنانکه از هنگام تصویب «کشورهایی مانند بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، هند، ژاپن، مکزیک، هلند، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و انگلستان اصلاحات مهمی را برای برآورده کردن نیازهای بزهدیدگان انجام داده‌اند» (شایان، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

ماده ۸ «اصول اساسی در راهنمای حق دادخواهی و جبران خسارت برای بزهدیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی» نیز تعریفی مشابه با تعریف اعلامیه ۱۹۸۵ ارائه می‌کند. به موجب این ماده، بزهدیدگان اشخاصی هستند که به صورت انفرادی یا جمعی دچار آسیب‌های جسمانی یا روحی و روانی، زیان اقتصادی یا ضرر شدید به حقوق اساسی خود

از طریق فعل یا ترک فعل منشأ نقض‌های فاحش حقوق بشر بین‌المللی یا نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شده‌اند.<sup>۱</sup>

از دیگر اقدامات سازمان ملل در مورد بزه‌دیدگان، قطعنامه ۱۵۵۶ مصوب ۲۰۰۴ شورای امنیت است که یک گروه کاری را موظف کرد تا ایجاد یک «صندوق مالی برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان تروریسم و خانواده‌هایشان» را بررسی کند. این قطعنامه بر حمایت مادی از بزه‌دیدگان تروریسم و جبران خسارات ایشان تأکید دارد و بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند مشمول این حمایت‌ها باشند.

کشورهای اروپایی نیز اقداماتی مؤثر را در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و تأمین خسارت آنها انجام داده‌اند. یکی از این اقدامات تدوین کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۳ استراسبورگ<sup>۲</sup> است؛ این کنوانسیون دارای نکاتی مهم در خصوص بزه‌دیدگان و نحوه جبران خسارت است. از دیگر اقدامات اروپا در جهت حمایت از بزه‌دیدگان، می‌توان به کنفرانس وزیران دادگستری اروپا در اکتبر ۲۰۰۳ و کنوانسیون پیشگیری از تروریسم شورای اروپا<sup>۳</sup> (به ویژه ماده ۱۳ این کنوانسیون که تأکیدی ویژه بر حمایت از بزه‌دیده دارد) اشاره کرد. همچنین است دستورالعمل‌های شورای اروپا در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم که از سوی کمیته وزیران در ۲ مارس ۲۰۰۵<sup>۴</sup> پذیرفته شد و تصویب‌نامه کمیته وزیران عضو اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان جرایم<sup>۵</sup> که در سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش هیئت وزیران عضو اتحادیه قرار گرفت (نژندی‌منش و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۱). ماده (۱) دستورالعمل شورای اروپا در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم مصوب ۲۰۰۵ کمیته وزیران مقرر کرده است که

1. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, A/RES/60 147/21 March 2006.
2. Convention on the Transfer of sentenced persons, Strasbourg, European Treaty Series, 21.III.No.112,
3. Convention on the prevention of Terrorism, council of Europe, 2005.
4. Guidelines on the protection of victims of terrorist acts, Council of Europe, 2005.
- 5 Recommendation Rec, (2006), of the committee of ministers to member states assistance to crime victims, 14 June 2006.



نیاز بزهدیدگان به ترمیم آسیب‌های جسمی و روحی باید مورد توجه قرار گیرد و حمایت مالی نیز مورد تأکید بوده است (Albrecht, Kilchling, 2005: 3).

شورای اروپا در قالب توصیه‌نامه ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷ کمیته وزیران با عنوان «امدادسانی به بزهدیدگان و پیشگیری از بزهدیدگی» به دولت‌های اروپایی توصیه می‌کند که مراقبت کنند تا بزهدیدگان و خانواده‌هایشان به ویژه آن دسته که بیشتر آسیب‌پذیرتر هستند از یک سو کمک فوری برای رفع نیازهای خود از جمله حمایت در مقابل انتقام‌جویی بزهارکار، کمک پیوسته و منظم پزشکی، روان‌شناختی، اجتماعی و مادی، مشاوره‌های مفید برای اجتناب از بزهدیدگی جدید، اطلاعات در مورد حقوق بزهدیدگان و سرانجام کمک به منظور ترمیم واقعی خسارتشان توسط خود بزهارکار، بیمه یا هر نهاد دیگری و حتی دولت را دریافت کنند و از سوی دیگر واحدهای امدادسانی به بزهدیدگان به ویژه گروه‌های خاص مانند اطفال و افراد موضوع خشونت خانوادگی را ایجاد کنند (نجفی، ۱۳۷۵: ۱۵). امدادهای پزشکی در کشورهایی که اسناد بین‌المللی پیشین در آنها اجرایی شده‌اند در صدر حمایت‌ها قرار دارند (Fillizzola, 1995: 107). بر اساس ماده ۷۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی بزهدیدگان اشخاصی هستند که در نتیجه ارتکاب هر یک از جنایات مشمول صلاحیت دیوان متحمل خسارت شده‌اند. بدین ترتیب، مفهوم بزهدیده در دیوان با پذیرش بزهدیدگان غیرمستقیم در قلمرو بزهدیدگان توسعه یافته است و میزان فاصله از خاستگاه بزهدیدگی بر شناسایی یک شخص به عنوان بزهدیده بی‌تأثیر است (نژندی‌منش و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۵). امکان جبران خسارت از طریق صندوق امانی موضوع ماده ۷۹ پیش‌بینی شده است. این صندوق در راستای حفظ منافع بزهدیدگان و خانواده آنها بنا به تصمیم مجمع دول عضو ایجاد می‌شود و دیوان می‌تواند دستور دهد که وجوه و سایر اموال جمع‌آوری شده از طریق جریمه و یا ضبط آنها به صندوق امانی منتقل شوند (کوشا و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲).

با دقت در مفاد اسناد بین‌المللی پیش‌گفته می‌توان گفت که با اینکه این اسناد در شناسایی بزهدیده غیرمستقیم به ویژه در جرایم خشونت‌آمیز پیشرو بوده‌اند و نخستین گام‌های به رسمیت

شناختن این دسته از بزه‌دیدگان در این اسناد برداشته شده و بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی نیز به عنوان یکی از طرفین پرونده شناخته شده و مصوباتی مهم در جهت حمایت از حقوق آنها به تصویب رسیده است، آنچه قابل توجه است عدم الزام آور بودن این اسناد بین‌المللی منطقه‌ای و بین‌المللی است، چراکه این اصول عمدتاً الزام آور نیستند و تنها جنبه ارشادی و اخلاقی دارند. این اصول راهبردهای کلی را ارائه می‌دهند و چگونگی قانونگذاری تفصیلی آنها با توجه به ویژگی‌های حقوق کیفری داخلی هر کشور به عهده دولت‌ها واگذار شده است (هنریک و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۵). برای مثال، با اینکه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل دستورالعمل‌های اجرایی اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت را تهیه کرده است، تاکنون شماری زیاد از کشورها به علت بار مالی زیاد مفاد اعلامیه را به صورت کامل وارد قلمرو کاربردی سیاست جنایی خود نکرده‌اند. از این رو، در اغلب موارد در اسناد بین‌المللی نیز در عمل حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی تضمین نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

#### ۴. بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی در حقوق داخلی

در کشور ما موضوع بزه‌دیده غیرمستقیم قتل غیرعمدی در انزوا و فراموشی قرار دارد و چون چنین گروهی از بزه‌دیدگان موضوع قانونگذاری قرار نگرفته است، حمایت از آنها نیز توأم با ابهاماتی زیاد است، هم از جهت شناسایی محدوده افرادی که می‌توانند مشمول تعریف بزه‌دیده غیرمستقیم شوند و هم از بابت نوع حمایت‌هایی که می‌توان از آنها به عمل آورد. حقوق داخلی در تأمین خسارات بستگان مقتول به عنوان بزه‌دیده غیرمستقیم به اولیاءدم قانونی که حین فوت از مقتول ارث می‌برند توجه دارد و سایر افراد، به ویژه افرادی که تحت سرپرستی و تکفل مقتول

۱. البته نباید از آثار قابل توجه تصویب چنین کنوانسیون‌هایی بر حقوق داخلی کشورهای عضو غافل شد، به طوری که از میانه سده بیستم میلادی بسیاری از کشورها نظیر انگلستان، فرانسه، کانادا و برخی از ایالات آمریکا با ایجاد بخش‌های ویژه مددکاری و امکان طرح دعوا از سوی بزه‌دیده بر علیه دولت یا نهادهای دولتی، امکان جبران خسارت واقعی بزه‌دیده را فراهم ساخته‌اند (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

بوده‌اند، در عمل از دایره حمایت قانونگذار خارج هستند. با این وضعیّت مسلماً بزه‌دیدگان غیرمستقیم به حقوق و منافع از دست‌رفته خود نخواهند رسید و سیاست جنایی ما نیز در این زمینه سکوت اختیار کرده است. در دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک به بزه‌دیدگان نیز علیرغم پیش‌بینی کمک به افرادی که متحمل صدمات شدید روحی و مادی شده‌اند، ماده ۷ دستورالعمل پرداخت خسارات موضوع آن را منوط به ارائه حکم قضایی نموده است، هرچند در صورت ضرورت حمایت و کمک به بزه‌دیده در مراحل قبل از صدور حکم قطعی، با تأییدیه مقام قضایی ذیصلاح، امکان پرداخت قبل از صدور حکم قطعی پیش‌بینی شده است، که در جهت پرداخت به موقع خسارت بزه‌دیده مطلوب است، اما مشکل این است که به لحاظ اختلاف نظر موجود در بحث مربوط به پرداخت خسارت روحی و ضرر و زیان ناشی از جرم (مازاد بر دیه) خیلی از محاکم از صدور حکم در این خصوص خودداری می‌کنند و در عمل این خسارات جبران‌نشده باقی می‌مانند. همچنین، ماده ۵ دستورالعمل حداکثر کمک پرداختی به بزه‌دیده را نه بر اساس میزان خسارت وارده که بر اساس اعتبارات سالیانه و شرایط دیگر معین کرده است، هرچند حسب تبصره ۱ در موارد خاص و در صورت وجود دلایل و مستندات توجیهی، با تشخیص کارگروه و تأیید وزیر دادگستری، تا میزان ۵۰ درصد مبلغ مصوب قابل افزایش است. وانگهی، ممکن است در برخی موارد خسارت وارده به طور کامل جبران نشود، به ویژه اینکه در حقوق ما به خسارات روانی و محرومیتهای بزه‌دیده در آینده توجه نشده است.<sup>۱</sup>

بنابراین، نخست آنکه در حقوق داخلی ما (برخلاف اسناد بین‌المللی) به شناسایی و حفظ و حمایت از حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی تصریح نشده است؛ از این جهت به نظر می‌رسد نظام حقوقی ما با خلأ مواجه است. دوّم، با اینکه می‌توان با تفسیر از کلمه بزه‌دیده، که

۱. اداره حقوقی قوه قضائیه در یک نظریه مشورتی اظهار داشته است: «با توجه به قواعد لاضرر، نفی حرج و تسبیب، چنانچه محرز شود در اثر عمل جانی خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی علیه وارد شده است، از جمله مخارج معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که مسبب ورود بوده است، منع شرعی و قانونی ندارد».

از حمایت قانونی برخوردار است، بزه‌دیدگاه غیرمستقیم قتل عمدی را نیز به عنوان مصادیقی از بزه‌دیده قلمداد کرد و حمایت‌های قانونی را شامل این دسته از بزه‌دیدگان نیز دانست، اما از یک طرف در برخی موارد در جامعه حقوقی اختلاف نظرهایی دربارهٔ مسئولیت مجرم در قبال این نوع بزه‌دیدگان وجود دارد و حتی در بعضی موارد به ایرادات فقهی متوسل شده‌اند<sup>۱</sup> و از طرف دیگر با توجه به تنوع مشکلاتی که بزه‌دیدگان غیرمستقیم بعد از فوت بزه‌دیدهٔ مستقیم با آن دست به گریبان می‌شوند، سازکار حمایت از آنها اعم از مادی و معنوی قدری پیچیده می‌شود؛ در این خصوص برای حل مشکلات بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی نیازمند کمک محافل حقوقی جهت تصویب مقررات مربوط هستیم.

### نتیجه

از آنجا که حقوق قانونی از موقعیت حقوقی فرد سرچشمه می‌گیرد و با آن ارتباطی تنگاتنگ دارد، برای تضمین حقوق بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم قتل عمدی ابتدا تعریف موقعیت حقوقی او ضروری است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در مراجع قانونی و قضایی در حال حاضر بزه‌دیدگان غیرمستقیم جایگاه حقوقی مشخصی ندارند و خسارات قابل پرداخت به بزه‌دیدگان غیرمستقیم قتل عمدی در برخی موارد محدود - در صورت عدم قصاص مجرم و مصالحه - در قالب پرداخت دیه قابل جبران است و پرداخت خسارت خارج از قالب دیه با اختلاف نظرهای بسیاری مواجه است. البته در برخی از مواد قانونی به جبران کامل خسارات مادی و معنوی زیان‌دیده تصریح شده است، اما به نظر می‌رسد اختلاف نظرها آنقدر زیاد و در بعضی موارد جدی هستند که مانع آزادی اختیار قضات در صدور احکام جبران خسارت افزون بر دیه می‌شوند. این در حالی است که در اسناد بین‌المللی، بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم قتل عمدی به عنوان یکی از افراد متضرر از جرم به رسمیت شناخته شده است و قوانین مصوب امکان جبران خسارت بزه‌دیدهٔ غیرمستقیم قتل عمدی را در کنار بزه‌دیدگان مستقیم پیش‌بینی کرده‌اند. برای مثال، در مادهٔ ۲

۱. از این جهت که برخی عقیده دارند بزه‌دیدهٔ قتل عمدی جز حق قصاص یا مصالحه به دیه، حق دیگری بر بزه‌کار ندارد.

کنوانسیون اروپایی خسارت‌زدایی از بزهدیدگان جرایم خشونت‌آمیز ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ پیش‌بینی شده است، چنانکه وقتی ترمیم کامل خسارت به وسیله سایر منابع قابل تضمین نیست دولت باید به خسارت‌زدایی از افراد زیر اقدام کند. الف. کسانی که متحمل لطمات شدید علیه جسم یا سلامت خود شده‌اند، که مستقیماً از یک جرم عمدی خشونت‌آمیز ناشی شده باشند. ب. کسانی که تحت تکفل شخصی بوده‌اند که پس از ارتکاب جرم فوت شده است. در نتیجه بر اساس کنوانسیون مذکور نه تنها خسارت بزهدیده غیرمستقیم جرم عمدی خشونت‌بار مانند قتل عمدی قابل جبران است، بلکه دولت مکلف شده است که در موارد عدم امکان جبران خسارت بزهدیده خسارت‌زدایی کند.

با مطالعه حقوق داخلی مشخص می‌شود که نوآوری‌هایی که در زمینه حقوق بزهدیدگان و حفظ منافع و تثبیت موقعیت حقوقی آنان در اسناد بین‌المللی ایجاد شده در حقوق داخلی به ویژه در خصوص بزهدیدگان غیرمستقیم قتل عمدی به رسمیت شناخته نشده و هنوز بزهدیدگان غیرمستقیم موقعیت اصلی و پایگاه واقعی خود را در روند عدالت کیفری بدست نیاورده‌اند، به ویژه بزهدیده غیرمستقیم قتل که یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه قتل است، که متأسفانه در پژوهش‌های حقوقی و سیاست جنایی جایگاه واقعی خود را نیافته است. این در حالی است که بر اساس مبانی مهم قانونی، شرعی و فقهی، امکان پیش‌بینی تدابیری جهت حمایت از بزهدیدگان غیرمستقیم قتل عمدی در راستای اصول قانونی اساسی و متون فقهی، که حقوق جزای ما بر پایه آنها بنا نهاده شده است، و نظریات جرم‌شناختی وجود دارد.

اقداماتی که جهت حمایت از بزهدیده غیرمستقیم قتل عمدی از طرف جامعه حقوقی صورت می‌گیرند می‌توانند با توجه به شرایط اجتماعی، روانی، عاطفی و مالی آنها و بزهدیدگان خاص از جمله کودکان و زنان متنوع باشند، که به برخی اقدامات ضروری به عنوان پیشنهاد اشاره می‌شود.

به نظر می‌رسد نخستین نیاز بزهدیدگان غیرمستقیم قتل عمدی پس از وقوع جرم فراهم کردن سازکارهای جبران خسارت است. چنانچه بزهدیدگان خسارت بزهدیده را به طور کامل پرداخت

نکند دولت باید تلاش کند به بزه‌دیدگان غیرمستقیم غرامت پرداخت کند و در این خصوص می‌توان بدین موارد اشاره کرد: تخصیص قسمتی از جزای نقدی جایگزین حبس به حمایت از این بزه‌دیدگان، ایجاد صندوق‌هایی از جمله صندوق تأمین خسارات بدنی یا تقویت نهادهای موجود مانند ستاد دیه، پیش‌بینی ردیفی از بودجه سالانه کشور جهت ترمیم خسارات، به همان ترتیبی که برای خسارات دیدگان بلایا و مصائب و خطرات طبیعی از قبیل سیل و زلزله پیش‌بینی شده است، ایجاد گروه‌های مددکاری که از افراد داوطلب تشکیل شده باشند، به منظور کمک به بازماندگان در زمینه‌های مختلف، حذف تشریفات زائد دادرسی در خصوص مطالبه خسارات ناشی از جرم و تسریع پرداخت خسارت از جمله پرداخت درصدی از خسارت قابل پرداخت قبل از صدور حکم.

یکی از نیازهای بزه‌دیدگان غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفتن است؛ در این زمینه راهکارهایی مانند برگزاری گردهمایی و جلسات بحث و تبادل نظر در خصوص نیازها و مطالبات بزه‌دیدگان قتل عمدی، توزیع بروشورها و تهیه کتابچه راهنمای همگانی برای آگاهی عمومی پیشنهاد می‌شود. در آمریکا هفته آخر آوریل هفته ملی بزه‌دیدگان است تا از آنها دلجویی شود. برگزاری جشن سالانه روز اروپایی بزه‌دیده در ۲۲ فوریه نمونه دیگر است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰). اگر حق بزه‌دیدگان غیرمستقیم بر مورد توجه قرار گرفتن نادیده گرفته شود، بزه‌دیدگی پنهان در جامعه زیاد خواهد شد.<sup>۱</sup>

حمایت حقوقی و آگاه‌سازی بزه‌دیده غیرمستقیم نسبت به حقوق خود نیز قابل توجه است. بزه‌دیدگان باید از حقوق قانونی خود آگاه باشند. دسترسی خانواده بزه‌دیده به وکیل باید تسهیل شود، چه از لحاظ دسترسی رایگان (معاضدتی) و چه از لحاظ تسریع معرفی وکیل، زیرا در رویه

---

۱. در این زمینه می‌توان به طرح حمایت از بزه‌دیدگان در مشهد اشاره کرد که توسط معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم دادگستری استان خراسان رضوی به صورت آزمایشی در مجتمع کامیاب مشهد در حال اجرا است. از جمله اهداف این طرح شناسایی مشکلات بزه‌دیده، اطلاع‌رسانی بهتر به بزه‌دیده در مسیر دادرسی و کمک‌رسانی فوری به بزه‌دیدگان است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸).

عملی از زمان مکاتبه مرجع قضایی با کانون وکلای استان برای معرفی و کیل معاضدتی تا زمان حضور چنین و کیلی و دفاع، مدت زمانی نسبتاً طولانی سپری می‌شود و چه بسا بعضی از دلایل و مدارک به نفع بزهدیده به جهت عدم حضور در معرض تضییع قرار گیرند. همچنین، تا حد امکان وکلای انتخابی با اهرم‌هایی به پیگیری پرونده و اخذ نتیجه مطلوب در حد امکان قانونی با انگیزه شوند، چراکه دیده شده است که برخی از وکلای معاضدتی به دلیل عدم دریافت وجهی بابت اقدامات خود در پرونده مهمی مانند قتل عمدی دلگرمی لازم را برای پیگیری پرونده موکل خود ندارند.

نخستین گام در همراهی بزهدیده و مساعدت او تشکیل پرونده کیفری بزهدیده غیرمستقیم است، همانطور که ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس را مکلف کرده است که در جرایم مهم در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این دستور در پرونده‌های قتل نیز باید در خصوص خانواده بزهدیده صادر شود تا با شناخت وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی و گزارش پزشکی و روان‌پزشکی خانواده مقتول، اقدامات مقتضی در جهت تسکین آلام روحی و مادی آنها و محافظت از جان و مال آنها (در مقابل اقدامات ایدایی احتمالی خانواده مقتول علیه خانواده قاتل) صورت گیرد (آشوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲).

پس از بزهدیدگی خانواده مقتول، لزوم تضمین سلامت و امنیت بزهدیده ایجاب می‌کند که ضمن ارائه خدمات درمانی و مشاوره‌ای، از بزهدیده در برابر بزهدیده حمایت شود و نباید تنها به اخذ شکایت بزهدیده بسنده کرد، چراکه احتمال تعرض مجدد بزهدیده به زنان و کودکان بزهدیده و یا به وارونه تعرض خانواده مقتول به خانواده بزهدیده وجود دارد. از این رو، باید تدابیری اندیشیده شوند تا این خانواده‌ها از خشونت و تجاوز احتمالی در امان بمانند، راهکارهایی مانند بازداشت افرادی که خانواده طرف مقابل را تهدید کرده یا اقدامی در این خصوص انجام داده‌اند یا اسکان موقت خانواده‌های در معرض خطر در جای مناسب.

تأکید می‌شود که در پرونده‌های قتل عمدی که دلایل کافی بر وقوع قتل عمدی وجود دارند و منجر به صدور کیفرخواست می‌شوند، در جهت حمایت از خانواده مقتول به اندازه دیه یک مرد مسلمان از محل صندوق تأمین خسارات بدنی یا جزای نقدی جایگزین حبس یا اعتبارات ستاد دیه به عنوان وام بلاعوض یا طولانی‌مدت به خانواده‌های نیازمند مقتول پرداخت شود تا حداقل امنیت مالی آنها تأمین شود، به ویژه اینکه تعداد قتل‌های عمدی قابل توجه نیستند و تأمین اعتبار این مساعده برای کشور چندان سخت نیست.



## منابع

## الف. فارسی

- آشوری، محمد و حدادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «حقوق بنیادین بزهدیده در فرایند دادرسی کیفری»، *آموزه‌های کیفری*، پاییز و زمستان، شماره ۳.
- آنسل، مارک (۱۳۷۵). *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوّم، تهران، انتشارات دانشگاه.
- اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). *عدالت برای بزهدیدگان*، ترجمه علی شایان، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل.
- اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷). «راهکارهای حمایت از بزهدیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌الملل»، *نشریه معرفت*، شماره ۱۱.
- توجّهی، عبدالعلی (۱۳۷۷). «جایگاه بزهدیده در سیاست جنایی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- توجّهی، عبدالعلی (۱۳۸۰). «جایگاه حمایت از بزهدیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، شماره ۹.
- توجّهی، عبدالعلی (۱۳۸۷). «سیاست جنایی حمایت از بزهدیدگان»، توجّهی، عبدالعلی. (۱۳۷۸). «سیاست جنایی حمایت از بزهدیدگان»، زمستان، سال اول، دوره چهارم.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزهدیده توسط بزهدیدکار تا جبران خسارت توسط دولت»، *مجله فقه و حقوق*، سال سوّم، شماره ۹.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و یوش، مهشید (۱۳۹۵). «جلوه‌های رویکرد حمایتی نسبت به بزهدیدگان»، *ماهنامه شباک*، دوره ۲، شماره ۲.
- حسینی، سیدحسن و بادامی، حشمت (۱۳۹۵). «راهکارهای حمایت از شاکی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، *فصلنامه تازه‌های حقوقی*، شهریور، دوره ۱، شماره دوّم.

- خادم سربخش، مهدی و سلطانی نژاد، هدایت‌الله (۱۳۹۲). «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال ششم، شماره دوازدهم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنائی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۲ و ۵۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرتو اصول اساسی عدالت»، *نشریه پژوهش‌های حقوقی*، دوره چهارم، شماره ۷ و ۶.
- زینالی، امیرحمزه و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۲). «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۵.
- الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی»، *مجله دادرسی*، شماره ۵۶.
- عبدالهی، اسماعیل و اهرمی نژاد، لیلا (۱۳۹۶). «بررسی تحلیلی راهبردهای حمایت از بزه‌دیده در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»، همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی.
- علیزاده، فائزه (۱۳۸۶). «مسئولیت دولت در جبران خسارت ناشی از جرائم اشخاص»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). «درآمدی بر آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی در ایران»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره جدید، شماره ۱.
- قاضی، موسی (۱۳۹۵). «حمایت از بزه‌دیدگان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهرود.
- کوشا، جعفر و پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۷.
- مرعشی شوشتری، سیدمحمد (۱۳۷۰). «دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، شماره ۱.

– نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). «از حقوق کیفری بزهدیده‌مدار تا عدالت ترمیمی»، دیباچه در: مهرداد رایجیان اصلی، بزهدیده در فرایند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.

– نژندی‌منش، هیبت‌الله و آموزگار، شهریار (۱۳۹۶). «جایگاه بزهدیده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله علمی-ترویجی قضاوت، دوره ۱۷، شماره ۹۱.

– هاشمی، سیدمیثم (۱۳۸۷). «تحولات نوین حقوق بزهدیدگان در آمریکا در پرتو قانون»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره هفتم.

### ب) انگلیسی و فرانسوی

- Albrecht, Filching, M.2005. Victims of Terrorism Policies and Legislation in Europe an Overview on Victim Related Assistance and support, at [www Council of Europe.int/tic](http://www.Council of Europe.int/tic).
- Farrel Graham, Philips coretta & Peas Ken (1998). “why Does Repeat Victimization Occur”, *British Journal Criminal*, vol. 35, No.3.
- Fillizzola, Gina (1995). *victimnes et victimologie*, presses Universitaires de France.